

آسیب‌های هجرت از منظر قرآن و حدیث

□ رحمت‌الله حمیدی *

چکیده

هجرت یکی از راه‌های گسترش اسلام در کشورهای غیراسلامی و نیز گسترش فرهنگ ناب اسلامی در کشورهای اسلامی است. هجرت به‌عنوان یک راهبرد برای خلاصی از تنگنای فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است، هم‌چنین هجرت وسیله برای تبلیغ فرهنگ اسلامی و گسترش اسلام در کشورهای غیراسلامی است که باهدف تقرب الی الله صورت می‌گیرد. این مهاجرت دارای آسیب‌های زیادی است. این سؤال مطرح است که چه آسیب‌های از منظر قرآن و روایات برای هجرت بیان شده است. این تحقیق با روش تحلیل و تبیین به‌صورت کتابخانه‌ای به پاسخ سؤال اصلی پرداخت است. تحقیقات زیادی در مورد هجرت و تعرب از منظر قرآن انجام شده است؛ ولی به شکل این تحقیق پرداخته تا کنون صورت نگرفته است. این تحقیق با جمع‌آوری و تحلیل و تبیین داده‌ها به این نتیجه رسیده است که آسیب‌های هجرت در معارف دینی با مفهوم تعرب و دوری و فاصله‌گرفتن مهاجران از فرهنگی دینی است که شامل آسیب‌های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی است.

واژگان کلیدی: هجرت، تعرب، آسیب‌های هجرت، قرآن و حدیث.

*. طلبه سطح چهار فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی سالعالمیه.

مقدمه و بیان مسئله

هجرت یکی از راه‌های گسترش اسلام در کشورهای غیراسلامی و نیز گسترش فرهنگ ناب اسلامی در کشورهای اسلامی است. هجرت به‌عنوان یک راهبرد برای کسانی که در تنگنای فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قرار گرفته است می‌باشد. در اسلامی انسان برای نجات از تنگناهای اعتقادی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی هجرت می‌کند و به سرزمین که در آنجا زندگی‌شان در گشایش هست؛ سکونت می‌کند. هجرت یکی در فرهنگ اسلامی یک اصل است؛ ولی همین هجرت وقتی به‌درستی مدیریت نشود خود آسیب‌زا می‌باشد آسیب‌شناسی هجرت از همان ابتدا در اسلام مطرح بود و از آن به‌عنوان «تعرب» یاد نموده است.

اکنون این سؤالات مطرح است که؛ آیا قرآن کریم و احادیث اسلامی به بحث آسیب‌های هجرت پرداخته است؟ آسیب‌های هجرت با چه مفهومی بیان شده است؟ چه نوع آسیب‌های در قرآن کریم و روایات اسلامی مطرح شده است؟ آسیب‌های هجرت از نگاه قرآن و روایات چیست؟ این مسئله را می‌توان از منظر علوم و منابع مختلف مورد بررسی قرارداد. در این پژوهش آسیب‌های هجرت از منظر قرآن و روایات مورد بررسی قرار می‌دهد.

پیشینه تحقیق

بحث آسیب‌های هجرت از منظر قرآن و حدیث به خصوص که همه ابعاد را مورد بررسی قرار داده باشد انجام نشده است از این جهت این نوشتار جدید می‌باشد. البته تحقیقات در مورد هجرت و تعرب از هجرت انجام شده است که در ذیل بر آنها ذکر می‌شود:

۱. نقش تربیتی روایات تعرب پس از هجرت؛ با قلم مرتضی رحیمی که در دو فصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث انتشار یافته است. این مقاله پژوهشی به برخی آسیب‌های تربیتی هجرت؛ مانند: فاصله گرفتن از علم‌آموزی، تغییر سبک زندگی اسلامی، ترک کار خوبی که فرد مدتی آن را انجام داده، تضعیف باورهای دینی و اخلاقی، عدم توانایی بر انجام شعائر خداوند، نداشتن خانواده در سرزمین کفر و ایمن نبودن بر جان خود در سرزمین کفر پرداخته است. ایشان با بیان این موارد به این نتیجه می‌رسد که نکوهش تعرب پس از هجرت، نشانگر

آن است که محیط زندگی مناسب اسلامی که در آن انسان امکان انجام شعائر و دستورات دینی را دارد؛ در تربیت و شخصیت انسان تأثیر بسزایی دارد. هجرت به سرزمین کفر به خودی خود ممنوع نیست؛ بلکه منوط به این است که مسلمانان تحت تأثیر محیط کفر و فرهنگ و سبک زندگی غیراسلامی قرار نگیرد. (رحیمی ۱۳۹۸، ۱۷۴).

۲. فقه هجرت؛ احمد مبلّغی، سرمقاله فصلنامه فقه شماره ۴۸. این مقاله به بحث هجرت و تعرب به عنوان یک قاعده فقهی به نام «قاعده حرمت تعرب بعد از هجرت» پرداخته و دلیل آن را تبیین نموده است. ایشان با بررسی این قاعده به نتایج ذیل دست می‌باید: ۱. قاعده وجوب هجرت، موضوع قاعده حرمت تعرب را محقق می‌سازد؛ آنچه اصل و زیر بنا تلقی می‌شود، قاعده وجوب هجرت است، نه قاعده حرمت تعرب؛ زیرا قاعده دوم (حرمة التعرب) برای محافظت از نتایجی که هجرت آن را محقق ساخته، پایه‌گذاری شده است؛ به گونه‌ای که این قاعده مانع از ارتکاب عاملی (تعرب) است که آثار معنوی، فکری و مادی برجای مانده از هجرت را از میان می‌برد. بر این اساس، دو قاعده در عرض یکدیگر نیستند؛ بلکه قاعده حرمت تعرب در طول قاعده دیگر است. ۲. هر مهاجرتی به بلاد کفر، تعرب پس از هجرت نیست؛ همان گونه که هر ماندن در بلاد اسلامی هم عدم تعرب نیست. ۳. گاهی مهاجرت به کشورهای غیراسلامی واجب است. تقویت هویت اسلامی اقلیت‌های مسلمان و اعطای کمک‌های مالی به آنها، مشارکت در گفت‌وگوی سازنده با پیروان و عالمان سایر ادیان الهی، ساخت مساجد، ایجاد مراکز خیریه و استفاده از فرصت جهانی شدن در کشورهای غربی در جهت مصالح اسلام و... همه و همه سبب می‌شود تا هجرت بر کسانی که توان انجام چنین کارهایی را دارند، واجب شود. (مبلّغی ۱۳۸۵، ۱).

۳. کتاب‌های و پایان‌نامه‌های که به بحث هجرت پرداخته است به مناسبت به «تعرب از هجرت» نیز پرداخته است. بحث مستقل که اینگونه به مباحث آسیب‌های هجرت پرداخته باشد، با تفحص که در منابع دیجیتال صورت گرفت نیافتیم.

کلیات و مفاهیم

۱. هجرت

هجرت در لغت

واژه هجرت در لغت از «الهجر» مصدر است. به سه نوع تلفظ شده است به فتح (هَجْرُ) و (هِجْرُ) و (هُجْرُ) که کلمه هجر به فتح هاء به معنی گسستن پیوند دوستی و ضد وصل و ترک کردن و دوری کوچ کردن از جای به جای دیگر است؛ همچنین به معنی هذیان در کلام نیز می باشد و کلمه «هُجْر» به ضم هاء به معنی فحش و زشتی در نطق و کلام است (ابن منظور ۱۴۱۴ ه.ق. ج، ص ۲۵۳) و (فیومی . ۱۹۸۷). ۶۳۴). و آنچه مورد بحث در اینجا است کلمه هجر به فتح و کسر هاء است که از منظر لغت شناسان مورد بررسی قرار می گیرد.

۱. هجرت به معنی مفارقت، ترک، قطع کردن: در کتب لغات آورده که هجر به فتح هاء ضد وصل و قطع کردن (ابن درید بی تا، ۴۶۷/۸) و (جوهری ۱۳۷۶ ه.ق، ۸۵۱/۲) و ترک کردن چیزی و اعراض کردن از چیزی است (زبیدی ۱۴۱۴ ه.ق، ۶۰۶/۸) و (ابن اثیر بی تا، ۲۴۴/۵). و به معنی جدای انسان از غیرش یا به جسم و یا با زبان و یا قلب می باشد. (راغب اصفهانی ۱۴۱۲ ه.ق، ۸۳۳).

۲. هجرت به معنی حرکت و انتقال از مکانی به مکان دیگر: لغت شناسان آورده اند که هجرت به کسر و فتح هاء به معنی رفتن و خارج شدن از مکانی به مکان دیگر می باشد (فیروزآبادی ۱۴۱۵ ه.ق. ۲۵۵/۲) و (ابن سیده بی تا، ۱۵۵/۴) و چنانچه ازهری می نویسد: اصل مهاجر در نزد عرب به معنی خروج بدوی از بادیه به شهر است و همچنین هرکس که از منطقه خود منتقل شود و دیار و خانه هایشان را ترک کنند و به سوی قوم و دیار دیگری برود مهاجر گفته می شود. (احمد، بی تا، ۲۹/۶).

۳. هجرت به معنی هذیان و بیهوده گویی شخص که خوابیده و یا مریض است نیز آمده است (جوهری ۱۳۷۶ ه.ق، ۸۵۱/۲). واژه «هُجْر» به ضم ها به معنی هذیان و بیهوده گویی و زشتی در کلام و ناسزاگویی و فحش می باشد (محمد بی تا، ۵۱۴/۳).

هجرت در قرآن و روایات

واژه «هجر» در قرآن کریم با همهی مشتقاتش ۳۱ بار به شکل‌های «هاجر، هاجروا؛ هاجرن؛ يهاجر؛ يهاجروا؛ فَتَهاجِروا، تَهاجِرون؛ وَ فَاهْجِرْ، اهْجِرْنی، وَ اهْجِرُوهُنَّ؛ وَ اهْجِرْهُمْ، مُهاجِرا؛ الْمُهاجِرین؛ مُهاجِرَاتٍ؛ مَهاجِورا، هَجا» بکار رفته است.

۱. هجرت در قرآن کریم به معنی انتقال از مکانی به مکان دیگر استعمال شده است «وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا» (بقره/۲۱۸) و «فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ» (آل عمران/۱۹۵) که در تفاسیر به معنی ترک وطن و دورشدن از اقوام کافر و مشرک و ترک منازل آمده است (طبرسی و بلاغی ۱۴۰۸، ۵۵۳/۲) و (محمد، ۱۴۲۲ ه.ق، ۱۴۱/۲) و (م. طوسی بی تا، ۹۰/۳).

۲. هجرت به معنی ترک رذایل اخلاقی به سوی اخلاق نیکو پسندیده است. «وَ الرَّجُزَ فَاهْجِرْ» (مدثر/۵) یعنی از بت‌ها، گناه دوری کن. و برخی هم می‌گویند از کار زشت و اخلاق مذموم و پست دوری کن (طبرسی بی تا، ۵۴/۲۶) و (طباطبایی ۱۳۹۰ ه.ق، ۸۱/۲۰).

۳. هجرت به معنی ترک شرک و باطل و رفتن به سوی وحدانیت و حقیقت می‌باشد. «وَقَالَ إِنِّي مُهاجِرٌ إِلَى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» و یکی از «هجرت از خلق به حق که تخلق به اخلاق الهی را به همراه دارد؛ یعنی مزین شدن به انوار حق و تجلّی نور عظمت بر دل‌ها. انبیا، اولیا و بندگان صالح خدا دارای این هجرت‌اند» (جوادی آملی ۱۳۸۷ ه.ش، ۴۲/۸۱) این معنی نیز همانند معنی قبلی ترک گناه و معصیت است که اعظم گناهان شرک و باطل است.

هجرت در روایات

در روایت نیز مباحث در مورد معانی هجرت بیان شده که در حقیقت توسعه و گسترش معنی هجرت است.

۱. در روایتی از امام علی (علیه السلام) آمده است «لا يقع اسم الهجرة على أحدٍ (إلا) بمعرفة الحجة في الأرض؛ فمن عرفها و أقرّ بها فهو مهاجر..» (شریف الرضی ۱۴۱۴، ۲۸۰)

«نام هجرت بر کسی اطلاق نمی‌شود مگر اینکه حجت خدا را بر روی زمین بشناسد. آنها که حجت خدا را بشناسند و به او ایمان آورند مهاجرند.» و شارحان این حدیث را به هجرت

از ضلالت به وادی امن و هدایت دانسته‌اند. (جوادی آملی ۱۳۸۷ ه. ش. ۵۲۵/۸۹) و (مکارم شیرازی ۱۴۲۶ ه. ق. ۲۱۰/۸)

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: «وَيَقُولُ الرَّجُلُ: هَاجَرْتُ وَلَمْ يَهَاجِرْ! إِنَّمَا الْمُهَاجِرُونَ الَّذِينَ يَهْجُرُونَ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يَأْتُوا بِهَا.» (مجلسی ۱۳۶۳ ش. ۲۳۲/۶۸)

«شخصی گفت هجرت کردم و لکن هجرت نکرده است چرا مهاجران کسانی است که از سیئات و بدی‌ها هجرت می‌کنند و دیگر انجام نمی‌دهند.»

طبق این حدیث هجرت مکانی بدون هجرت درونی هجرت واقعی نیست؛ بلکه جوهر و روح هجرت در انتقال از کفر به سوی ایمان و از گناه به طاعت و فرمانبری است (مکارم شیرازی ۱۴۲۶ ه. ق. ۲۱۵/۸).

۳. به سفر سیاحتی زیارتی نیز هجرت اطلاق شده است و در زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم می‌خوانیم «أَتَيْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُهَاجِرًا إِلَيْكَ قَاضِيًا لِمَا أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَيَّ مِنْ قَصْدِكَ.» (مجلسی ۱۳۶۳ ش. ۱۶۲/۹۷)

«ای رسول خدا به‌عنوان مهاجر به‌سوی شما آمده‌ام و من با این عمل آنچه خداوند در حق شما از قصد کردن به‌سوی شما بر من واجب کرده است اجرا می‌کنم.»

در زیارت‌نامه‌های دیگر نیز وارد شده است؛ مثلاً در دعای بعد از نماز روز غدیر می‌خوانیم «تَبَّتْ لَنَا قَدَمٌ صِدْقٍ فِي الْهَجْرَةِ» (۱. طوسی ۱۴۰۷ ه. ق. ۱۴۷/۳). و یا در زیارت امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: «وَأَتَيْتُكَ زَائِرًا أَلْتَمِسُ ثَبَاتَ الْقَدَمِ فِي الْهَجْرَةِ إِلَيْكَ» (مفید ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۱۱)

زیارت نوعی هجرت و زائر در واقع مهاجر به‌سوی خداوند و رسول اوست. کسی که قصد هجرت و حرکت به‌سوی امام داشته و توجه قلبی و عقلی خود به حریم و ساحت امام خود را آماده می‌کند تا کاملاً از خود محیط خود جدا شده و با آهنگ هجرت سفرش را آغاز نماید.

واژگان هم معنی هجرت (نفر، ضرب، سیر، سیاحت و خروج)

واژه «نفر» با تمام مشتقاتش در قرآن کریم ۱۸ بار بکار رفته و به معنی مختلف استعمال شده است که به معانی کوچ کردن و گروهی و تعداد از مردم و به معنی فاصله گرفتن از حق و حقیقت آمده است. در قرن کریم واژه سفر به معنی سفر فقهی که پیمودن مسافت شرعی باشد

نیز بکار رفته است. (بقره/ ۱۸۲ و ۱۸۵. نساء/ ۴۳).

واژه دیگری که در قرآن کریم در مورد سفر بکار رفته است واژه «ضرب» به معنی پیمودن مسافت می‌باشد مثل «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَيَّنُوا.» (نساء/ ۹۴) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خدا گام می‌زنید (و به سفری برای جهاد می‌روید)؛ تحقیق کنید» که واژه «ضربتم» به معنی پیمودن مسافت به سوی جهاد آمده است.

«سیر» در قرآن کریم ۲۷ بار بکار رفته که به معنی حرکت و رفتن در زمین همراه با اندیشیدن و تفکر است. و بعضی از محققین؛ (ابراهیمی، صالحی و صالحی بهار ۱۳۹۳، ۴) مجموع این آیات به دودسته کلی تقسیم نموده است.

۱. آیاتی که در قالب فرمان و امر به پیروان دستور گردشگری می‌دهد مانند: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ؛ بگو: که در زمین بگردید و سپس با دقت بنگرید که سرنوشت کسانی که پیامبران را تکذیب می‌کردند چگونه است؟» (انعام/ ۱۱. نمل/ ۶۹. روم/ ۴۲) و «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ بگو: در زمین بگردید و بنگرید که خداوند چگونه آفرینش را آغاز نمود و سپس شروع کرد به آفریدن نشأ آخرت (قیامت) قطعاً خداوند بر همه چیز قادر است» (عنکبوت/ ۲۰)

۲. آیاتی که به صورت استفهامی سرزنشی و تحریکی تأکید به گردشگری کرده است مانند: «... أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ...؛ آیا [با وجود این] در زمین گردش نکردید، تا آینده کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند بنگرید؟» (یوسف/ ۱۰۹) و «أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ؛ آیا آنان که در زمین گردش نکردند تا دل‌های داشته باشند که با آن حقیقت را درک کنند، یا گوش‌های که با آن حقیقت را بشنوند؟ البته چشم‌های ظاهری آنان کور نیست، بلکه دل‌هایشان که در سینه است کور است حقیقت را درک نمی‌کند» (حج/ ۴۲. غافر/ ۸۲)

از تمامی این آیات به دست می‌آید که «سیر» در قرآن کریم حرکتی و گردش را گویند که

همراه با تفکر و تحقیق در آفرینش و سنت‌های الهی است. که جنبه‌ی آموزشی و تربیتی و پندگیری دارد.

واژه "سیح" و مشتقاتش در قرآن کریم سه بار بکار رفته است که در «فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ...» (توبه/۲۲) که «فَسِيحُوا» از سیح به معنی سیر و گردش در زمین است. (م. طوسی بی تا، ۱۴۷/۵) (طباطبایی ۱۳۹۰ ه.ق.، ۱۴۷/۸) در آیه ۱۱۲ توبه «السَّائِحُونَ» یکی از ویژگی‌های مؤمنین قرار داده شده که مفسرین آن را به معنی روزه‌داران معنی نموده است. (م. طوسی بی تا، ۳۰۷/۵) در تفسیر جوامع الجامع به روزه گیران معنی شده و در وجه تسمیه آن آورده «ازاین جهت که از به کار بردن شهوات نفسانی امتناع می‌کنند تشبیه شده‌اند به کسانی که در روی زمین به سیاحت می‌پردازند. بعضی گفته‌اند: منظور طالبان علم‌اند که در زمین به گردش می‌پردازند و علم را هر آنجا که گمان می‌برند، جستجو می‌کنند» (طبرسی ۱۴۱۲ ه.ق.، ۳۱۹/۴) هم چنین المیزان ذیل این آیه مبارکه آورده که مراد از سیاحت سیر در زمین است. ولی آنچه مناسب با سیاق ترتیب آیه است سیر و حرکت در مکان‌های است که ذکر و عبادت خدا می‌شود مثل مساجد ((طباطبایی ۱۳۹۰ ه.ق.، ۳۹۶/۸).

در آیه ۵ سوره تحریم در مورد صفات زنان آورده «سائحات» که به زنان روزه‌دار و زنان مهاجر معنی نموده است. (ابومسلم اصفهانی ۲۰۰۹ م.، ۴۷۰/۳). بعضی به معنی روزه‌داران و بعضی به معنی زنان مهاجر گرفته است. بعضی وجه تسمیه زنان روزه‌دار را به سائحات آورده که به روزه‌دار سائح گفته؛ چون روزه‌دار در امساک از آب و غذا را ادامه می‌دهد مثل سائح و گردشگر که در زمین رفتن و حرکت شان را ادامه می‌دهد. (م. طوسی بی تا، ۴۲۸/۰). پس «سیاحت» در قرآن کریم به معنی سیر و گردشگری همراه با قصد عبادت و قرب الهی است.

واژه «اخراج» در قرآن کریم ۱۵۷ بار بکار رفته است و به معنی بیرون کردن و بیرون راندن است که گاهی در مورد خروج از گمراهی به هدایت آمده «يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره/۲۵۷) به معنی خروج گیاه از زمین بکار رفته «وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا» (یس/۳۳) گاهی هم به معنی خروج در روز قیامت بکار رفته است «وَأَخْيِنَا بِهِ بَلَدَهُ مِثْلَ كَذَلِكَ الْخُرُوجِ» (ق/۱۱)

و در موادی معنی هجرت اجباری و بیرون کردن مؤمنان از دیارشان استعمال شده است که ظلم و ستم مشرکان سبب هجرت مؤمنان از سرزمین شان شده است. که به نمونه‌های از آن آیات اشاره می‌شود:

۱. در موردی کسانی که از دیارشان به‌زور اخراج شدند قرآن کریم می‌فرماید «... فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أُودُوا فِي سَبِيلِي....» ؛ پس کسانی که هجرت کرده و از خانه‌هایشان رانده شده و در راه من آزار و اذیت دیده‌اند....» (ال عمران/۱۹۵)

۲. در مورد کسانی که برای هجرت به‌سوی خداوند از خانه‌هایشان بیرون می‌شود آمده «... وَ مَنْ يُخْرِجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ...» ؛... و هر که از خانه‌اش هجرت کند به‌سوی خدا و پیامبرش خارج شود،...» (نساء/۱۰)

۳. قرآن کریم در مورد هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله از مکه به مدینه می‌فرماید «... إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ...» ؛ همانا خدا آن زمان که کافران او را (از مکه) بیرون کردند یاری کرد، درحالی که او نفر دوم از دو تن بود...» (توبه/۴۰) این اله اشاره به سفر تاریخی و شروع هجرت نبوی است که مشرکان توطئه‌ی قتل پیامبر را کشیدند و با خوابیدن امام علی ع به‌جای ایشان این توطئه خنثی شد و پیامبر اکرم مجبور به ترک مکه گردید که آیه به‌عنوان «اخراج پیامبر» از آن یاد می‌کند. (رضایی اصفهانی ۱۳۸۷، ش. ۸، ۲۰۵)

۴. در مورد کسانی که مجبور به هجرت از سرزمین شان شده است می‌خوانید «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ...» ؛ (مظلومان موردتهاجم)، کسانی هستند که به‌ناحق از خانه و کاشانه‌ی خود رانده شدند (و گناهی نداشتند) جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتا است...» (حج/۴۰) علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر این آیه مبارکه می‌نویسد: «این آیه همانطور که گفتیم مظلومیت مؤمنین را بیان می‌کند، و آن این است که کفار بدون هیچ‌گونه حق و مجوزی ایشان را از دیار و وطنشان مکه بیرون کردند. آن‌هم نه این‌طور که دست ایشان را بگیرند، و از خانه و شهرشان بیرون کنند، بلکه آن قدر شکنجه و آزار کردند، و آن قدر برای آنان صحنه‌سازی نمودند، تا ناگزیر شدند با پای خود شهر و زندگی را رها نموده در دیار غربت منزل کنند، معنای "اخراج" در اینجا این است که آن‌ها را مجبور به خروج کردند» (طباطبایی و موسوی ۱۳۷۴)

ه.ش.، ۵۴۳/۸۴) و در روایت از امام باقر علیه السلام وارد شده است: «این آیه در باره مهاجرین نازل شده و در باره آل محمد علیهم السلام نیز جاری است زیرا آنها نیز از وطنشان اخراج و ترسانیده شدند» (طبرسی و بلاغی ۱۴۰۸، ۲۷۹/۸۶)

از این آیات به خوبی استفاده که می شود که مراد از خروج بیرون کردن مسلمانان و مؤمنان از دیار و کاشانه شان است. که و بیانگر هجرت اجباری آنان است. کلمه "اخراج" در قرآن کریم به معنی بیرون کردن و بیرون راندن است؛ ولی در مواردی به معنای هجرت نیز استعمال شده چراکه هجرت نیز نوعی خارج شدن است که مؤمنان توسط ظالمان از شهر و کاشانه شان اخراج می شود و یا به خاطر فساد و عدم حفظ دین مؤمنین خودشان با سفر بسته و با هجرت به سوی خدا از شهر و دیارشان خارج می شود. و در مواد که ظالمان سبب خروج مؤمنین می گردد خروج اجباری و به غیر حق است. و اگر هم خود انسان برای نجات دین و آزادی در عمل از شهر و دیارشان خارج شود که در حقیقت فرهنگ حاکم آن جامعه سبب هجرت او شده است. چون خروجش در مسیر طاعت خداوند است؛ فی سبیل الله است.

پس هجرت در بیان قرآن کریم دارای مفاهیم گسترده است که شامل حرکت های معنوی و ظاهری که باهدف الی الله صورت می گیرد؛ می باشد. در این صورت کوچ کردن برای نجات جان و دین، تحصیل و نشر معارف دینی، سفرهای زیارتی و سیاحتی و گردشگری، و رفتن به سوی جهاد و تقویت مسلمانان که در اقلیت زندگی می کنند از مصادیق هجرت است.

۲. تعرب از هجرت (آسیب های هجرت)

آسیب های هجرت در منابع دینی به «تعرب و بازگشت از هجرت» بیان شده است. این واژه در قرآن کریم نیامده است اگرچه آیاتی دلالت بر مفهوم تعرب و بازگشت از هجرت دارد. این واژه بیشتر در روایات و متون معارف اسلامی بیان شده است.

«تعرب» از ریشه (ع - ر - ب) که به سه معنی؛ بازگشت به قبل و فصحیح و شیوا صحبت کردن؛ نشاط و پاکی نفس و فساد در جسم و یا عضو. (ابن فارس ۱۴۰۴، ۲۹۹/۴) و (مصطفوی ۱۴۰۲، ق، ۷۲/۸) البته این واژه با سکون راء به معنی نشاط است (حمیری ۱۴۲۰، ق، ۴۴۵/۷). این واژه اگر به ضمّ راء باشد به معنی پاکی و طهارت و نشاط در نفس است

(ابن فارس ۱۴۰۴، ۳۰۰/۴). اگر به کسر راء به معنی فساد و جرح در جسم است (حمیری ۱۴۲۰ ه. ق.، ۴۴۹۴/۷). اگر به فتح راء باشد؛ ضد عجم که گروه از مردم است می‌باشد "عربی" کسانی است که ساکن شهرها هستند (جوهری ۱۳۷۶ ه. ق.، ۱۷۸۸). و در التحقیق آورده که بعید نیست عرب را از جهت اینکه واضح و روشن و فصیح کلامشان را بیان می‌کند عرب گوید؛ چون بیان عربی بهترین بیان است و به مردی که فصیح صحبت می‌کند عرب الرجل می‌گوید (مصطفوی ۱۴۰۲ ق.، ۷۲/۸). و همچنین آورده‌اند که «عرب» فرزند اسماعیل و جمع آن «اعراب» است و این لفظ اسمی است که بر ساکنین بادیه‌ها و دشت‌ها اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی ۱۴۱۲ ه. ق.، ۵۷۳/۲).

واژه "عرب" اسم جمع است. و "اعراب" جمع عرب نیست؛ بلکه به معنی کسانی است که در بادیه‌نشینی است. (جوهری ۱۳۷۶ ه. ق.، ۱۷۸۸) در لسان العرب آورده «العَرَبی منسوب إلى العَرَب، و إن لم یکن بَدَوِیًّا. و الأَعْرَابی: البَدَوِی، و هم الأَعْرَابُ، و الأَعْرَابُ: جمع الأَعْرَاب؛ "عربی" نسبت به عرب داده‌شده و اگر بادیه‌نشین نباشد. و "اعرابی" به معنی بادیه‌نشین از اعراب است و جمع آن "اعاریب" است» (ابن منظور ۱۴۱۴ ه. ق.، ۵۸۶/۸) دیگر لغت‌شناسان نیز "اعراب" را به معنی کسی که بادیه‌نشین و صاحب گوسفند دانسته که مراد دور بودن از فرهنگی شهرنشینی است (زبیدی ۱۴۱۴ ه. ق.، ۲۱۴/۲). کسی که بعد از زندگی شهرنشینی؛ زندگی بادیه‌نشینی را انتخاب کند واژه "تعرب" را به کار می‌برند. (فیروزآبادی ۱۴۱۵ ه. ق.، ۱۳۷/۸) (جوهری ۱۳۷۶ ه. ق.، ۱۷۸۸)

واژه "عرب" در قرآن کریم ۲۲ بار به کار رفته است که ده در ده مورد آن واژه "اعراب" به معنی بادیه‌نشینی به کار رفته است. و خود واژه "تعرب" در قرآن کریم نیامده است. بلکه در احادیث این واژه آمده است. آیات که بیانگر اعراب و بادیه‌نشینی است؛ به چند صورت آمده است.

۱. اعراب کسانی است که اسلام آورده؛ ولی ایمان نیاورده است. چنانچه در آیه ۱۴ سوره

حجرات آمده

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

عرب‌های بادیه‌نشین گفتند: «ایمان آورده‌ایم» بگو: «شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگوئید اسلام آورده‌ایم، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است! و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی‌کند، خداوند، آمرزنده مهربان است. در این آیه مبارکه کسانی که به ظاهر اسلام آوردند و به حقیقت دین و اطاعت از پیامبر اکرم و عمل به احکام و معارف دینی نکردند "اعراب و بادیه‌نشین" خوانده شده است.

در آیه ۱۶ سوره فتح نیز کسانی را که از فرماید رسول خدا ﷺ مخالفت می‌کند "اعراب" خوانده شده است.

۲. اعراب منافقان و کفار هستند که احکام و معارف اسلامی را نمی‌دانند:
الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛

بادیه‌نشینان عرب، کفر و نفاقشان شدیدتر است؛ و به ناآگاهی از حدود و احکامی که خدا بر پیامبرش نازل کرده، سزاوارترند؛ و خداوند دانا و حکیم است! (توبه/۹۷)

۳. اعراب کسانی است که از نگاه فکری مادی‌گرا است و فرهنگشان با فرهنگ و تمدن جامعه اسلامی همخوانی ندارد. در قرآن کریم می‌خوانیم «و من الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يَنْفِقُ مَغْرَمًا...؛ و از اعراب کسانی هستند انفاق در راه خدا را ضرر و غرامت می‌نگارد.» این بیانگر تفکر چنین اشخاصی است که فقط در فکر سود و زیان مادی و دنیوی است و عقیده به پاداش اخروی انفاق ندارد. به نظرشان غرامت و ضرر می‌آید. هم چنین به کسانی که در مسیر فرمان الهی عذرتراشی می‌کنند قرآن کریم آنان را اعراب می‌خواند:

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِآلِسَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا.

بزودی متخلفان از اعراب بادیه‌نشین (عذرتراشی کرده) می‌گویند: «(حفظ) اموال و خانواده‌های ما، ما را به خود مشغول داشت (و نتوانستیم در سفر حدیبیه تو را همراهی کنیم)، برای ما طلب آمرزش کن!» آن‌ها به زبان خود چیزی می‌گویند که در دل ندارند! بگو: «چه کسی می‌تواند در برابر خداوند از شما دفاع کند هرگاه زبانی برای شما بخواهد، و یا اگر نفعی اراده کند (مانع گردد)؟! و خداوند به همه کارهایی که انجام می‌دهید آگاه است! (فتح/۱۱)

۴. فقط بادیه‌نشین سبب اعراب بودن انسان نیست؛ بلکه محروم بودن از معارف اسلامی و عمل نکردن به آن سبب اعرابی بودن انسان می‌شود و قرآن کریم می‌فرماید:

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَ صَلَواتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيَدْخِلُهُمْ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. (توبه/۹۹)

گروهی (دیگر) از عرب‌های بادیه‌نشین، به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند؛ و آنچه را انفاق می‌کنند، مایه تقرب به خدا، و دعای پیامبر می‌دانند؛ آگاه باشید این‌ها مایه تقرب آن‌هاست! خداوند به‌زودی آنان را در رحمت خود وارد خواهد ساخت؛ به‌یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است.

در این آیه به‌خوبی بیان می‌کند که از بادیه‌نشین‌ها کسانی هستند که به خدا و پیامبر اکرم ص و روز قیامت ایمان دارند و بر این باورند که انفاق سبب نزد شدن به خداوند می‌شود. و پس می‌تواند گفت که محض بادیه‌نشینی بد نیست بلکه فرهنگ بادیه‌نشینی که معمولاً از آشنایی به اسلام و عمل به معارف و فرهنگ اسلامی به دور است مورد توبیخ و سرزنش قرارگرفته است.

روایات واردشده در این باب مفهوم تعرب را به کسانی که آشنایی با معارف اسلامی ندارد و عمل نمی‌کنند و نیز به ترک دین و رفتن به‌سوی بزهکاری، فسادهای فرهنگی اجتماعی گسترش داد است.

۱. در روایتی از امام صادق علیه السلام که اگر احکام و معارف دینی را نیاموزیم "اعرابی" هستیم.

تَفْقَهُوا فِي الدِّينِ فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَهُ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ فَهُوَ أَعْرَابِي إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ
لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ. (فیض کاشانی
۱۴۰۶ ق، ۱۲۷۸)

دین را بیاموزید و اگر دین را نفهمید اعرابی هستید. و خداوند در قرآن کریم فرمود "در دین
فقیه شوید و قومتان در هنگام بازگشت انذار کنید. شاید از خداوند بترسد.

فیض کاشانی در تبیین این حدیث می نویسد: اعرابی عامی جاهل به امر دین است که
منسوب به اعراب و کسانی است که بادیه نشین هستند و فقط برای نیازها مادی و دنیوی شان به
شهرها مراجعه می کنند. و آشنایی به معارف دینی ندارد و مقابل اعرابی مهاجر است که برای
کسب بصیرت و یادگرفتن معارف دینی به شهرها مراجعه می کند. (فیض کاشانی ۱۴۰۶ ق، ۱۲۷۸)
در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

عليكم بالتفقه في دين الله، و لا تكونوا اعرابا فانه من لم يتفقه في دين الله لم ينظر
الله اليه يوم القيمة و لم يزك له عملا (العروسی الحویزی ۱۴۱۵ ق، ۲۵۴۲)
بر شما باد آموختن و شناخت دین، و اعرابی نباشید. چراکه کسی شناخت از دین نداشته
باشد خداوند در روز قیامت نگاه به او نمی کند و عمل او را پاک نمی گرداند.

۲. در روایت از امام رضا علیه السلام آمده است:

... وَ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ التَّعَرُّبَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ لِلرُّجُوعِ عَنِ الدِّينِ وَ تَرَكَ الْمُوَازَرَةَ
لِلْأَنْبِيَاءِ وَ الْحُجَجِ عليهم السلام وَ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ وَ إِبْطَالِ حَقِّ كُلِّ ذِي حَقٍّ لَا لِعِلَّةٍ سَكَنَى
الْبَدْوِ وَ لِدَلِكْ لَوْ عَرَفَ الرَّجُلُ الدِّينَ كَامِلًا لَمْ يَجْزْ لَهُ مُسَاكَنَةُ أَهْلِ الْجَهْلِ وَ
الْخَوْفِ عَلَيْهِ لِأَنَّهُ لَا يُؤْمِنُ أَنْ يَقَعَ مِنْهُ تَرْكُ الْعِلْمِ وَ الدُّخُولُ مَعَ أَهْلِ الْجَهْلِ وَ
التَّمَادِي فِي ذَلِكَ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۵۶۶۳)

خداوند عزوجل تعرب بعد از هجرت را حرام نموده؛ به خاطر بازگشت از دین، ترک
حمایت انبیاء و حجت های الهی، و آنچه در آن فساد است و نادیده گرفتن حق هر صاحب
حق. بنابراین اگر کسی با دین آشنایی داشته باشد حق ندارد که از افراد جاهل باشد و از
آنان هراس نداشته باشد. زیرا او ایمن نیست از اینکه اهل علم را ترک کند و با جاهلان
همراهی کنند و همکاری شان را ادامه دهند.

۳. در بعضی از روایات عدم شناخت ائمه الهی را از موارد تعرب بعد از هجرت دانسته

است. چنانچه امام صادق علیه السلام فرمود: «الْمُتَعَرِّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ التَّارِكُ لِهَذَا الْأَمْرِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ؛ (ابن بابویه ۱۳۶۱ ش. ۲۶۵) «اعرابی شونده بعد از هجرت ترک‌کننده ولایت و عدم تبعیت و پیروی از امام، پس از شناسایی اوست.»

در شرح این حدیث نوشته‌اند که: «در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله اشخاص بادیه‌نشین و یا شهرنشین که از مبادی دین آگاهی نداشتند، جهت رسیدن به خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله محل خود را ترک می‌نمودند و به مرکز اسلام می‌آمدند، بازگشت آنان به محل قبلی خود و یا به بلاد کفری که در آنجا، از اظهار اسلام و یادگیری احکام، ممنوع و معذور باشند، و اقامت در آنجا قبل از یادگرفتن آنچه باید بفهمند باحالت نخستین از جهالت و نادانی، و بی‌اعتنائی به دیانت را «تَعَرَّبَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ» گویند. (شخصی را که پس از پذیرفتن اسلام و مهاجرت به بلاد اسلام بار دیگر از محیط مسلمانان بیرون آید و به جوامع کفر و ضلالت پیوندد متعرب بعد الهجره گویند.)» (ابن بابویه ۱۳۷۷، ۱۴۲۸)

پس اعراب و تعرب از منظر قرآن و روایات معانی گسترده دارد و هر نوع کج‌اندیشی و کج‌رفتاری را از مسیر دین شامل می‌شود؛ ولی در مسئله هجرت چون با مهاجرت از جامعه شرک و فاسد به سوی جامعه‌ای خداپرستی و پاک است و اگر بازگشت به شرک و فساد داشته باشد تعرب بعد از هجرت است.

آسیب‌های هجرت از منظر قرآن و حدیث

بحث آسیب‌های هجرت از همان ابتدا در اسلام مطرح بوده و از آن به‌عنوان برگشت به جاهلیت و تعرب یاد نموده است. در قرآن کریم و روایات بادیه‌نشین، زندگی جاهلانه، بی‌ایمانی، بی‌اعتقادی، عدم آشنایی با احکام و معارف اسلامی، داشتن نگرش مادیگری، ترک دین و رفتن به سوی بزهکاری و فسادهای فرهنگی و اجتماعی، ترک اهل علم و سکنی گزیدن با جاهلان و همراهی با آنان، زندگی کردن در مناطق فاسد که دینشان درامان نیستند و هر نوع کج‌اندیشی و کج‌رفتاری در زندگی مهاجرت را از مصادیق بازگشت به جاهلیت می‌توان نام‌برده.

تأثیرپذیری از فرهنگ و آداب غیراسلامی از آسیب‌های هجرت است. قرآن کریم

تأثیرپذیری از فرهنگ غیراسلامی را فساد بزرگ می‌داند «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ». (انفال/۷۳). «کسانی که کفر ورزیدند، یاران یکدیگرند، (پس شما با آنان هم‌پیمان نشوید،) اگر شما (هم میان خود، همبستگی) نداشته باشید؛ فتنه و فساد بزرگی در زمین واقع خواهد شد.»

شهید مطهری رحمته‌الله در تفسیر این آیه می‌نویسد: همان‌طور که بعضی از مفسرین مخصوصاً علامه طباطبایی رحمته‌الله در تفسیر المیزان می‌فرمایند: «قرآن در اینجا نمی‌خواهد تکلیف برای کفار تعیین کند؛ کفار که تابع دستور اسلام نیستند. می‌خواهد بگوید بین خود آن‌ها ولایت هم‌پیمانی و همکاری وجود دارد؛ شما جزو آن‌ها نشوید. آن وقت می‌بینیم که قرآن در اینجا چه تهدیدی می‌کند: «إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ» اگر این ترک ولاء کفار را در میان خودتان حفظ نکنید فتنه و فساد بزرگی در روی زمین پیدا می‌شود (مطهری ۱۳۹۱ ش، ۳۴۰/۲۶) (طباطبایی و موسوی ۱۳۷۴ ه. ش، ۱۸۹/۹). برای همین قرآن کریم هر تمدن و پیشرفت جامعه بشری را موجب رستگاری انسان نمی‌داند و هجرتی را موجب تمدن و پیشرفت جامعه بشری می‌داند که قرآنی باشد و برگشت به تعرب و جاهلیت نداشته باشد (قزاقی ۱۳۸۳، ۳۰۱/۸). و در این پژوهش به پیامدهای تأثیرگذار هجرت بر سبک زندگی مهاجرین با توجه به مصادیق تعرب بعد از هجرت؛ در حوزه اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، ورانی و اقتصادی پرداخته می‌شود.

آسیب‌های اعتقادی هجرت

ممکن است مهاجران که در سرزمین غیراسلامی هجرت نموده‌اند؛ تحت تأثیر افکار و اندیشه موجود در سرزمین مقصد قرار بگیرند و دچار ضعیف در عقیده و ایمان شوند. تبلیغات ضد دینی و شبهات اعتقادی؛ سبب انحراف فکری و عقیدتی آنان گردد. هدف از هجرت دوری و رهایی از شرک و قرب الی الله است که در صورت انحراف فکری و عقیدتی نه تنها رهایی نیافته؛ بلکه در دام شرک قرارگرفتن و از قرب الهی فاصله می‌گیرند.

برای همین است که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي

وَأَسِئَةً فَاِیَّای فَاَعْبُدُونِ؛ بندگانِ با ایمانِ من! همانا زمین من وسیع است، پس تنها مرا پرستید» (عنکبوت/۵۶). اگر مهاجرین با هجرت گرفتار شرک و شبهات اعتقادی شوند آسیب‌دیده‌اند چراکه به هدف عالی حرکت الهی نرسیده‌اند و به کج‌اندیشی و بی‌اعتقادی گرفتار شده‌اند. که این آسیب و از مصادیق تعَرَب بعد از هجرت است. با استفاده از تحقیقات انجام‌شده در این بخش به موارد از آسیب‌های اعتقادی اشاره می‌شود.

۱. هجرت سبب تخریب مبانی اعتقادی و رسوخ ناپایداری در حوزه باورهای فرد مهاجر می‌شود چنانچه پیامدهای منفی هجرت آورده‌اند «مهاجرت بر نوع تدین و شدت و ضعف آن تأثیر گذشته و آن‌ها را کم‌رنگ‌تر و حتی گاهی سبب تغییر دین در نزد افراد شده است. آنچه در مهاجرت در معرض بیشترین مخاطرات قرار می‌گیرد، معنویات و فرهنگ اصیل و دین انسان ها است» (دیندار و ستوده ۱۳۹۱) (داوودیان ۱۳۷۹) هم‌چنین امکان دارد که مهاجرین به‌تدریج جذب فرهنگ و ارزش‌های جامعه مقصد قرار بگیرند و باورها و آداب و فرهنگ آن را به‌پذیرند و به بیان تقوی و نظریه کارکردگرایان در روند فرهنگ‌پذیری و همانند‌گردی جامعه مقصد قرار بگیرد. و البته این تأثیرپذیری دو طرفه است و گاهی فرهنگ و باورهای مهاجرین منطقه مقصد را تهدید می‌کند. (نقوی ۱۳۷۱) (دیندار و ستوده ۱۳۹۱، ۱۷)

۲. ممکن است هجرت مبانی فکری را تخریب نکند؛ ولی سبب ضعف ایمان مهاجرین شود؛ تهاجم فرهنگی و سیل شبهات و نداشتن توان پاسخگویی بر انسان تأثیر منفی گذشته و ایمانش را ضعیف می‌کنند. بر اساس یافته‌های بعضی محققین جامعه‌شناس؛ مهاجرت بر نوع و تدین و شدت و ضعف آن در اروپا، ژاپن و آمریکا تأثیر گذاشته و آنها را کم‌رنگ‌تر کرده و حتی گاهی سبب تغییر دین در نزد افراد شده است. و بنا بر این شرایط اجتماعی و محیطی و فرهنگی می‌تواند در تدین افراد اثرگذار باشد. (ایمانی و مرادی ۱۳۸۸، ۱۴۹)

۳. گاهی ممکن است مسلمان که به کشورهای غیراسلامی هجرت نموده؛ نوع تفکرش نسبت به معارف دینی تغییر نماید و خودش را مسلمان معتقد و عامل به ظواهر دین بدانند. ولی به سبب قرارگرفتن در فضای مادی‌گری الگوی زندگی‌شان را بر اساس جهان‌بینی غیرالهی شکل گرفته باشد و بعضی مسائلی دینی را غرامت و ضرر تفسیر کند. چنانچه قرآن کریم چنین

خطر را گوشزد نموده است «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يَنْفِقُ مَغْرَمًا...»؛ و از اعراب کسانی هستند انفاق در راه خدا را ضرر و غرامت می‌نگارد.» و این بیانگر تفکر چنین اشخاصی است که فقط در فکر سود و زیان مادی و دنیوی است و عقیده به پاداش اخروی و انفاق ندارد. و به نظرشان می‌آید انفاق و کمک به دیگران غرامت و ضرر است.

۴. عدم شناخت حجت خداوند و عدم آشنایی با احکام و معارف اسلامی نیز از مصادیق تعرب و آسیب‌های هجرت در روایت بیان شده است. امام صادق (ع) فرمود: «الْمُتَعَرِّبُ بَعْدَ الْهِجْرَةِ التَّارِكُ لِهَذَا الْأَمْرِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ؛ اعرابی شونده بعد از هجرت ترک‌کننده ولایت و عدم تبعیت و پیروی از امام، پس از شناسایی اوست» (ابن بابویه ۱۳۶۱ ش، ۲۶۵) در شرح این حدیث نوشته‌اند که: «در زمان پیغمبر (ص) اشخاص بادیه‌نشین و یا شهرنشین که از مبادی دین آگاهی نداشتند، جهت رسیدن به خدمت پیغمبر اکرم (ص) محل خود را ترک می‌نمودند و به مرکز اسلام می‌آمدند، بازگشت آنان به محل قبلی خود و یا به بلاد کفری که در آنجا، از اظهار اسلام یادگیری احکام، ممنوع و معذور باشند، و اقامت در آنجا قبل از یادگرفتن آنچه باید بفهمند باحالت نخستین از جهالت و نادانی، و بی‌اعتنائی به دیانت را «تعرب بعد الهجرة» گویند. (شخصی را که پس از پذیرفتن اسلام و مهاجرت به بلاد اسلام بار دیگر از محیط مسلمانان بیرون آید و به جوامع کفر و ضلالت بپیوندد متعرب بعد الهجرة گویند)» (ابن بابویه ۱۳۷۷، ۱۴۲۸) هم‌چنین امام رضا (ع) می‌فرماید:

... وَ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ التَّعَرُّبَ بَعْدَ الْهِجْرَةِ لِلرُّجُوعِ عَنِ الدِّينِ وَ تَرَكَ الْمُوَازَرَةَ لِلْأَنْبِيَاءِ وَ الْحُجَجِ (ع) وَ مَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ وَ إِيْطَالِ حَقِّ كُلِّ ذِي حَقٍّ لَا لِعِلَّةٍ سَكَنَى الْبَدُوَ وَ لِذَلِكَ لَوْ عَرَفَ الرَّجُلُ الدِّينَ كَامِلًا لَمْ يَجْزُ لَهُ مُسَاكَنَةُ أَهْلِ الْجَهْلِ وَ الْخَوْفِ عَلَيْهِ لِأَنَّهُ لَا يُؤْمِنُ أَنْ يَقَعَ مِنْهُ تَرَكَ الْعِلْمِ وَ الدُّخُولُ مَعَ أَهْلِ الْجَهْلِ وَ التَّمَادِي فِي ذَلِكَ. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۵۶۶۳)

خداوند عزوجل تعرب بعد از هجرت را حرام نموده؛ به خاطر بازگشت از دین، ترک حمایت انبیاء و حجت‌های الهی، و آنچه که در آن فساد است و نادیده گرفتن حق هر صاحب حق. بنابراین اگر کسی با دین آشنایی داشته باشد حق ندارد که از افراد

جاهل باشد و از آنان هراس نداشته باشد. زیرا او ایمین نیست از اینکه اهل علم را ترک کند و با جاهلان همراهی کنند و همکاری‌شان را ادامه دهند.

پس هر نوع تغییر در تفکر و اندیشه مهاجرین که سبب انحراف عقیدتی؛ ضعف ایمان و عدم آشنایی او با حجت خدا و احکام و معارف دین شود از مصادیق تعرب بعد از هجرت و از آسیب‌های اعتقادی هجرت می‌باشد.

آسیب‌های سیاسی هجرت

ممکن است مهاجران در کشورهای غیراسلامی و اسلامی؛ تحت تأثیر اندیشه‌های سیاسی و تبلیغات‌های رسانه‌ای دشمن قرار بگیرند و یا دشمن از آنها استفاده‌ای ابزاری نمایند. کما اینکه اکنون با توجه به فواید زیادی که هجرت مسلمان به کشورهای غربی داشته‌اند؛ آسیب‌های جدی نیز متوجه آنان بوده است. بخشی از کسانی که امروز علیه کشورهای اسلامی در حوزه‌های مختلف؛ از جمله مسائل سیاسی قلم‌فرسایی و شبهه‌افکنی می‌کنند؛ همین مسلمانان مهاجر است که تحت تأثیر اندیشه‌های دنیاگرایی و سکولاریسم قرارگرفتند و در پی ترویج اسلام سکولار و اسلام که مربوط به شخص است و به جامعه و سیاست کاری ندارد می‌باشد. قرآن کریم به مهاجران هشدار می‌دهد که باهم دیگر پیمان دوستی به بندید و با کفار پیمان ولایی ننندید که دچار آسیب بزرگی می‌شوید (انفال/۷۲-۷۳). همچنین مهاجرین که به کشورهای اروپایی پناهنده شده سبب سوءاستفاده‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌های غربی قرار می‌گیرند بعضی بر این نظر است که دولت‌های غربی با برنامه‌ریزی مسلمانان مهاجر را می‌پذیرند تا در آینده از این مسلمان برای استعمار و استثمار کشورهای اسلامی استفاده کنند (مهدی ۱۳۹۵، ۶۰) و (مشرق نیوز ۱۳۹۳). از طرف به خاطر گسترش دین اسلام در اروپا؛ دولت‌های غربی اسلام‌هراسی را ترویج نموده و مسلمانان را تروریسم معرفی می‌کنند رسانه‌هایشان سعی در ایجاد بدبینی غیرمسلمان نسبت به مسلمان هستند. (محسنی ۱۳۹۵، ۱۷۲)

یکی دیگر از پیامدهای سیاسی هجرت تمایل پیدا کردن به ستمگران و قدرت‌های کشورهای غیراسلامی که برای نابودی مسلمانان نقشه می‌کشند. قرآن کریم چنین تمایل و تکیه

بر قدرت بیگانگان را نهی نموده می‌فرماید: «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ.» (هود/ ۱۱۳) و به ستمگران تمایل و تکیه نکنید که آتش (عذاب) شما را فرا می‌گیرد و (در این صورت) برای شما در برابر خداوند، هیچ دوست و سرپرستی نیست، پس (از هیچ ناحیه‌ای) مورد کمک قرار نخواهید گرفت»

پس تأثیرپذیری از فرهنگ سیاسی کشورهای غیراسلامی؛ تمایل به قدرت‌های سیاسی غیراسلامی و پیمان دوستی با کفار از آسیب‌های سیاسی هجرت می‌باشد.

آسیب‌های اجتماعی هجرت

۱. بحران هویتی

هویت؛ شکل‌گیری شخصیت واقعی انسان در جامعه است که برگرفته از باورها، رفتارها و نگرش‌های اجتماعی، روانی، و دینی او می‌باشد (قاسمی، عدلی‌پور و میرمحمد تبار دیوکلاپی ۱۳۹۲، ۱۳۸). مهاجرین با قرارگرفتن در جامعه مقصد با فرهنگ جدید مواجه می‌شوند. برای انسان دین‌دار جذب شدن در فرهنگ دیگر مشکل‌ساز است؛ چون با حفظ فرهنگ دینی مشکلات هنجاری و تضاد با فرهنگ جامعه مقصد پیدا می‌کند. این ناسازگاری با فرهنگ جدید ممکن است سبب تضاد در باورها، رفتارها، و نگرش‌های شخص مهاجر شود و او را سردرگم نماید. باوجود تعارض و هنجار اجتماعی به تدریج فرهنگ دینی او رنگ باخته و هویت جدیدی پیدا می‌کند. و چنانچه در مقابل این دیگرگونی مقاومت نماید از جامعه دور شده دچار مشکلات روانی می‌گردد.

فشار ناشی از روبرویی با فرهنگ متفاوت تا جایی اهمیت دارد که حتی در بعضی موارد منجر به تغییراتی اساسی در رفتار مهاجران مثلاً تغییر در هویت فرهنگی یا دینی و یا تغییر در سبک زندگی آنان می‌شود (ایمانی و مرادی ۱۳۸۸، ۱۴۹). حتی ممکن است فرد مهاجر در اثر فشارهای فرهنگی، اجتماعی و الزام‌های اجباری هویت خود را تغییر داده و از ارزش‌ها، عقاید، و فرهنگی قبلی خود دست بردارد. غفلت از فرهنگ دینی و خود فراموشی از آسیب‌های حدّی انسان است که قرآن کریم می‌فرماید «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ

هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، پس خدا نیز آنان را به خود فراموشی گرفتار کرد. آنان همان فاسقان‌اند» (حشر/۱۹)

۲. بحران خانوادگی

نهاد خانواده، اصلی‌ترین رکن جامعه و بستر فرهنگ‌های گوناگون و زمینه‌ساز خوشبختی و یا بدبختی انسان‌ها و امت‌ها است، از این رو، اسلام که برنامه سعادت و تکامل بشر است، عنایت ویژه‌ای به سلامت، رشد و پویایی این نهاد سرنوشت‌ساز دارد (مهدی‌ری‌شهری ۱۳۸۹، ص. ۷). آسیب‌دیدن این نهاد سبب فروپاشی و از بین رفتن این نهاد مقدس می‌شود. ممکن است در مهاجرت، با تعامل با جامعه جدید و در اثر تغییر ارزش‌ها و تفاوت‌هایی فرهنگی و اجتماعی آن بحران‌های خانوادگی دامن‌گیر جامعه مهاجر می‌شود. این تقابل به بحران‌های جدی‌تری در زندگی مهاجر منجر می‌گردد. از آن جمله؛ به وجود آمدن یا شدت گرفتن اختلافات زناشویی، شدت گرفتن اختلافات بین والدین و فرزندان، سست شدن پیوندهای عاطفی بین افراد خانواده و... بحران‌هایی که ناشی از بزرگ‌ترین، ارزشمندترین و زیباترین دستاورد غربیان یعنی به رسمیت شناخته شدن حقوق انسان‌ها صرف‌نظر از جنس، سن، نژاد، ملیت و مذهب و وابستگی‌های قومی و قبیله‌ایست. (احمدزاده ۱۳۹۵، ۳)

۳. غفلت از تربیت فرزندان

در اسلام تربیت فرزند از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. والدین از نگاه شرعی مکلف به تربیت صحیح فرزندانشان است و کوتاهی در این امر را گناه شمرده است. اگر والدین به کشورهای غیراسلامی و حتی کشورهای اسلامی که محیط آلوده دارند؛ مهاجرت کنند به‌خاطر تأثیر جامعه بر تربیت فرزندان؛ وظایف والدین چندبرابر می‌شود. ولی باوجود مدارس غیراسلامی و جامعه غیردینی مهاجرت به کشورهای که از آزادی بیشتر به‌ویژه در حوزه حقوق کودکان برخوردار هستند؛ غفلت والدین از تربیت دینی کودکان آسیب‌های جبران‌ناپذیر را بر کودکان گذاشته و سبب ذوب شدن فرزندان مهاجران مسلمان در جامعه؛ فرهنگ و آداب و

رسوم کشورهای غیراسلامی می‌شوند.

یکی از پژوهشگران در خصوص تربیت فرزندان مهاجر در جامعه غربی می‌نویسد: حضور در مدارس غیراسلامی و قرارگرفتن در معرض عقاید فاسد و رفاقت با دوستان نامناسب، زندگی در جامعه‌ای با آزادی‌های غربی، تأثیرپذیری از فرهنگ غربی، دوری از فامیل و بستگان، نداشتن تفریحات سالم و موردنیاز، تأثیرپذیری از وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ای، دوری از فرهنگ و معارف اسلامی و کم‌رنگ‌شدن حساسیت‌های دینی و... را می‌توان از آسیب‌های تربیتی فرزندان در بلاد غیراسلامی نام برد. (صحرائی ۱۳۹۵، ۹۴)

مهاجران به دلیل این‌که قانون کار در هر کشور اجازه حضور آنان را در مشاغل دارای اعتبار و منزلت نمی‌دهند؛ ناگزیرند به مشاغل دارای اعتبار و منزلت اجتماعی پایین و کم‌درآمد روی آورند. این مسئله موجب می‌شود که فرد صاحب چنین شغلی برای جبران هزینه‌های زندگی و افزایش اعتبار و یا منزلت خویش به شغل‌های دوم و سوم روی آورده، و ناخواسته از خانه، زن و فرزندان و تربیت آنان غافل شده، موجبات گسست خانواده و انحرافات آنان را فراهم آورد. (احمدزاده ۱۳۹۵، ۳) و (فولادی ۱۳۸۴، ۳۷)

۴. دورشدن از فرهنگ جامعه اسلامی

حضور در جامعه اسلامی که رنگ و بوی اسلام دارد به‌خاطر مسائل آموزشی و مساجد و نماز جمعه‌ها و امر به معروف و نهی از منکر و قرارگرفتن در فضای سالم اسلامی سبب تقویت ایمان و حفظ انسان از گناه و آلودگی‌های اجتماعی می‌شود. و در مقابل دورشدن از جامعه اسلامی و قرارگرفتن در فضای آلوده؛ در سبک زندگی انسان تأثیر می‌گذارد. یکی از پژوهشگرانی در این مورد می‌نویسد: زندگی طولانی و بلندمدت در جوامع غیراسلامی بی‌مولاتی و دور ماندن از جامعه‌ای که برنامه برای سالم‌سازی ندارد؛ به‌تدریج انسان را در معرض فراموش کردن ارزش‌های اسلامی قرار می‌دهد. (صحرائی ۱۳۹۵، ۹۴)

۵. از بین رفتن قبح و زشتی گناهان

یکی از پیامدهای منفی مهاجرت به کشورهای غیراسلامی به‌خاطر ممارست زیاد با گناهان و

بی‌حیایی از بین رفتن زشتی گناهان می‌شود. چراکه فرهنگ مملو از فساد و رسانه‌های آزاد و مبتذل سبب عادی‌سازی رابطه‌های حرام و از بین رفتن ارزش‌های اسلامی می‌شود که در کشورهای اسلامی اولاً به‌خاطر نظارت مراکز دینی - فرهنگی و سازمان‌های مربوط و فضای حاکم و نظارت‌های که توسط دوستان صورت می‌گیرد کمتر دنبال فسادهای اجتماعی می‌رود؛ ولی در جای که هیچ نظارت وجود ندارد و از طرفی هم بی‌حیایی و بحران‌های اخلاقی فضای موجود را پرکرده باشد قطعاً زمینه فساد و گناه را بیشتر می‌کند.

از روایات استفاده می‌شود که ممارست بر گناه سبب کاهش حیا و از بین رفتن زشتی گناه می‌شود چنانچه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

«مَنْ كَثَرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطْوُهُ، وَمَنْ كَثَرَ خَطْوُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ، وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَمَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ.» (محمّدی ری شهری ۱۳۸۹ ه.ش، ۱۹۴۸)

«هر که سخن بسیار گوید، خطایش بسیار شود و هر که بسیار خطا کند، شرم و حیایش کم شود و هر که کم شرم و حیا شود، پارسایی‌اش کاهش یابد و هر که پارسایی‌اش کم شود، دلش بمیرد و هر که دلش بمیرد، به آتش رود.»

زمینه فساد و خطا بدون عقاب و نظارت در کشورهای که از آزادی برخوردار است زیاد می‌باشد که سبب کشانده شدن جوان به‌سوی فحشا و منکرات می‌گردد.

رابطه بین دوستان سبب کاهش گناه می‌شود و اگر این رابط شکست و حرمت بین دوستان از بین رفت؛ حیا بین دوستان از بین می‌رود و حرمت‌ها شکسته می‌شود. دیگر نظارت بر او نخواهد بود و عامل بازدارندگی از گناه که دوستان باشد را نخواهد داشت. برای همین امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «لَا تُذْهِبِ الْحِشْمَةُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَخِيكَ أَبْقِي مِنْهَا فَإِنَّ ذَهَابَهَا ذَهَابُ الْحَيَاءِ؛ حرمت میان خود و برادرت» را از میان نبر، چیزی از آن را باقی بگذار چراکه از میان رفتن حرمت، از میان رفتن حیا است» (کلینی ۱۴۰۷ ق.، ۶۷۲۸)

سیاست شیطان در کشاندن انسان به گناه نفوذ تدریجی و گام‌به‌گام است. این پیروی تدریجی از شیطان؛ در ابتدا سبب از بین رفتن زشتی گناه و حیا از چشم انسان و بی‌مسئولیتی افراد در قبال گناهان دیگران در جامعه می‌شود. آرام‌آرام به‌سوی گناه رفته و دیگران را نیز تشویق

به گناه می‌کنند. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.» (نور/۲۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! گام‌های شیطان را پیروی نکنید و هرکس پیرو گام‌های شیطان شود، همانا که او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، هرگز هیچ‌یک از شما پاک نمی‌شد. ولی خداوند هر کس را بخواهد، پاک می‌سازد و خدا شنوا و داناست.»

۶. مشکلات روانی ناشی از هجرت

هجرت در جامعه جدید؛ سبب ناسازگاری با فرهنگ بیگانه شده و ممکن است بین باورها و ارزش‌های خود؛ با فرهنگ و آداب جامعه مقصد تفاوت‌های زیادی را احساس نماید که این مغایرت سبب فشار روانی بر مهاجرین در پذیرفتن فرهنگ جدید و طرد باورهای قبلی آنان می‌شود. از طرف جامعه مقصد نیز باورها و ارزش‌های فرهنگی مهاجر را بیگانه قلمداد نموده و او را تهدید علیه فرهنگ خود می‌بیند. همچنین احساس بیگانگی مهاجرین در جامعه جدید و برخورد‌های تبعیضی و نگاه‌های تحقیرآمیز آنان به مهاجرین؛ سبب فشار و تنش‌های روانی شده؛ سلامت روانی مهاجرین را به خطر می‌اندازد.

یکی از پیامدهای مهاجرت اضطراب و استرس است که مهم‌ترین این استرس‌ها در زمینه موضوعاتی مانند تفاوت در زبان، آداب و رسوم متفاوت و هنجارهای اجتماعی متفاوت و متضاد با هنجارهای اجتماعی بومی آنان است. فشار ناشی از روبرویی با فرهنگ متفاوت تا جای اهمیت دارد که حتی در بعضی موارد منجر به تغییراتی اساسی در رفتار مهاجران می‌شود. مثلاً تغییر در هویت فرهنگی یا دینی و یا تغییر در سبک زندگی آنان می‌شود. (ایمانی و مرادی ۱۳۸۸، ۱۴۹) و (احمدزاده ۱۳۹۵، ۳) اضطراب و استرس ناشی از مشکلات فرهنگی - اجتماعی؛ سلامت روانی مهاجرین را به خطر می‌اندازد به‌ویژه در

مورد کسانی که به راحتی تسلیم تغییر هویتی و فرهنگی خود نیستند؛ لذا در این موارد صدمه روانی ناشی از تضادهای فرهنگی و تعصبات نژادی مخصوصاً در جای که جامعه مقصد احساس نابودی فرهنگشان را توسط مهاجرین هستند و مهاجرین را تهدید علیه جامعه و باورهای فرهنگی‌شان می‌دانند.

نتیجه

هجرت از منظر قرآن کریم دارای مفهوم گسترده‌ای است که شامل حرکتهای معنوی و ظاهری که باهدف رسیدن به کمال نهایی و تقرب الهی صورت گیرد؛ می‌باشد. پس کوچ کردن برای نجات جان، دین، تحصیل و نشر معارف اسلامی، سفرهای زیارتی و سیاحتی، رفتن به جهاد و تقویت مسلمانان که در اقلیت می‌باشد؛ از مصادیق هجرت می‌باشد.

در منابع دینی از آسیب‌های هجرت با مفهوم «تعرب» یاد شده است. تعرب نیز مانند هجرت دارای معانی گسترده‌ای می‌باشد. هر نوع دوری از هدف کمال خواهی انسانی و تقرب الهی می‌توان از مصادیق هجرت بر شمرده. تعرب به معنی فاصله گرفتن از فرهنگ ناب اسلامی است که شامل انواع کج‌اندیشی و کج‌رفتاری که سبب فاصل گرفتن از دین شود را شامل می‌شود. چرا هدف از هجرت دوی از فرهنگ شرک و فساد و رفتن به سوی جامعه توحیدی و خداپرستی و کمال خواهی است. اگر انسان از فرهنگی دینی به سوی شرک و فساد برگردد شامل تعرب از هجرت می‌شود. هجرت دارای آسیب‌های؛ اعتقادی، سیاسی و اجتماعی می‌باشد.

هر نوع تغییر در تفکر و اندیشه مهاجرین که سبب انحراف عقیدتی؛ ضعف ایمان و عدم آشنایی او با حجت خدا و احکام و معارف دین شود؛ از مصادیق تعرب بعد از هجرت و از آسیب‌های اعتقادی هجرت می‌باشد. هر نوع تأثیرپذیری از فرهنگ سیاسی کشورهای غیراسلامی؛ تمایل به قدرت‌های سیاسی غیراسلامی و پیمان دوستی با کفار از آسیب‌های سیاسی هجرت می‌باشد.

هر نوع آسیب‌های که در جامعه مهاجرت سبب فروپاشی خانواگی؛ غفلت از تربیت خانوادگی و فرزندان؛ دور شدن خانواده و فرزندان از فرهنگ دینی؛ از بین رفتن قبح و زشتی گناه

و مشکلات روانی و... که سبب فروپاشی خانواده و بنیان های تربیتی خانواده های مهاجرین از آسیب های اجتماعی هجرت می باشد.

قرآن و روایات آسیب های هجرت را با مفهوم «تعرب و دوری از فرهنگ ناب اسلامی و هر نوع کج اندیشی و دورشدن از هدف الهی انسان کمال خواهی شود؛ بیان می کند. لزوم مهاجرت به خاطر حفظ دین و جان صورت می گیرد. اگر در جامعه که مهاجرت سبب هر نوع تأثیرپذیری از جامعه در کفار شود که سبب دوری از فرهنگ ناب دینی و تقرب الهی شان شود؛ به آن تعرب و آسیب های هجرت؛ گفته می شود».

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابراهیمی، ابراهیم، محترم صالحی، صالحی صالحی. بهار ۱۳۹۳. "معناشناسی واژه سیاحت و مترادفات آن در قرآن کریم. فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش‌های ادبی، قرآنی سال دوم/ شماره اول ۴.

ابن اثیر، مبارک این محمد. بی تا. *النهاية في غريب الحديث والأثر*. قم: اسماعیلیان.
ابن بابویه، ابوجعفر، محمد بن علی. ۱۳۶۱ ش. *معانی الأخبار*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ابن درید، محمد بن حسن. بی تا. *جمهره اللغة*. بی جا: دار العلم للملایین.
ابن سیده، علی بن اسماعیل. بی تا. *المحکم و المحيط الأعظم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
ابن فارس، احمد بن فارس. ۱۴۰۴. *معجم مقاییس اللغة*. ایران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ ه. *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۴۱۳. *من لایحضره الفقیه*. قم، چاپ: دوم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۷۷. ترجمه معانی الأخبار. تهران، چاپ: دوم: دار الکتب الإسلامیه.
ابومسلم اصفهانی، محمد بن بحر. ۲۰۰۹ م. *موسوعة تفاسیر المعتزله (تفسیر أبی بکر الأصم - تفسیر أبی علی الجبائی - تفسیر أبی القاسم الکعبی البلخی)*. لبنان - بیروت، چاپ: ۱، دار الکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون.

احمد، و ازهری، محمد بن. بی تا. *تهذیب اللغة*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
احمدزاده، محمد عالم. "مهاجرت و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی فرا روی آن." *فصلنامه عودت*، شماره اول، تابستان ۱۳۹۵.

ایمانی، محمد تقی، گلمراد مرادی. "بررسی رابطه بین راهبردهای فرهنگ‌پذیری و سلامت روانی

در میان مهاجران: نمونه موردی مطالعه شهر کرمانشاه. "جامعه شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان بهار ۱۳۸۸ شماره ۱.

جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۷ ه. ش. تفسیر تسنیم. قم: اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد. ۱۳۷۶ ه. . الصحاح. بیروت: دار العلم للملایین.

حمیری، نشوان بن سعید. ۱۴۲۰ ه. ق. شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم. بیروت - لبنان، اول: دار الفكر المعاصر.

داوودیان، سدیک. ۱۳۷۹. "برخورد ارزشها و حفظ هویت فرهنگی." مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی و شناخت مسایل ایرانیان مقیم خارج، گفتمان ایرانیان ۱۳۷۹. تهران: اداره کل امور فرهنگی ایرانیان خارج ازکشور.

دهخدا، علی اکبر، جعفر دهخدا، علی اکبر، شهیدی، and ایرج، ستوده مهرکی، . ۱۳۹۰. لغت نامه.

۲ ج. تهران - ایران: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ.

دیندار، رقیه، مجتبی ستوده. ۱۳۹۱. "تحلیل تطبیقی تأثیر مهاجرت در سطح دینداری و اولویت های ارزشی دختران و پسران." همایش هجوم خاموش دوره ۳. لرستان: جهاد دانشگاهی واحد استان لرستان.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ ه. ق. مفردات ألفاظ القرآن. سوریه: دار الشامیة دار القلم. رحیمی، مرتضی. ۱۳۹۸. "قش تربیتی روایات تعرب پس از هجرت." دوفصلنامه علمی- پژوهشی؛ آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث؛ دوره ۵ :: شماره ۲ از صفحه ۱۵۹ تا صفحه ۱۷۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی. ۱۳۸۷ ه. . تفسیر قرآن مهر. ایران - قم، چاپ: ۱: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.

زبیدی، مرتضی، محمد بن محمد. ۱۴۱۴ ه. . تاج العروس. بیروت، چاپ: اول: دار الفكر.

شریف الرضی، محمد بن حسین. ۱۴۱۴. نهج البلاغه (صبحی صالح). قم - ایران: مؤسسه دار الهجرة.

صحرائی، محسن. ۱۳۹۵. بررسی هجرت مسلمین به آمریکای لاتین؛ (پایان نامه ارشد). قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۹۰ ه. المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طباطبایی، محمدحسین، محمدباقر موسوی . ۱۳۷۴ ه. ش. ترجمه تفسیر المیزان. ایران - قم،

- چاپ: ۵،: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن مترجم؛ نوری همدانی، حسین. بی تا. ترجمه تفسیر مجمع البیان، ۲۷ جلد. ایران - تهران: فراهانی.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۱۲ ه. . تفسیر جوامع الجامع. قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
- طبرسی، فضل بن حسن، محمدجواد بلاغی. ۱۴۰۸. مجمع البیان. بیروت: دار المعرفه.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. ۱۴۰۷ ه. ق. تهذیب الأحکام. تهران - ایران: دار الکتب الاسلامیه، .
- طوسی، محمد بن حسن. بی تا. التبیان فی تفسیر القرآن، لبنان - بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق. تفسیر نور الثقلین. قم، چاپ: چهارم: اسماعیلیان.
- فولادی، محمد. ۱۳۸۴. "بررسی میزان و عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر." ماهنامه معرفت، سال چهاردهم، شماره ۴ (پیاپی ۹۱)، تیر ۱۳۸۴.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. ۱۴۱۵ ه. . القاموس المحيط. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. ۱۴۰۶ ق. کتاب الوافی. اصفهان، چاپ: اول: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (ع).
- فیومی، احمد بن محمد. ۹۸۷. . المصباح المنیر. بیروت - لبنان: مکتبه لبنان.
- قاسمی، وحید، صمد عدلی پور، سید احمد میرمحمد تبار دیوکلایی. ۱۳۹۲. "شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک و تغییرات هویت اجتماعی جوانان شهر تبریز." فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱ دی ۱۳۹۲
- قزائتی، محسن. ۱۳۸۳. تفسیر نور. ایران: موسسه فرهنگی درسهایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. ۱۴۰۷ ق. الکافی (ط - الإسلامیه). تهران، چاپ: چهارم: دار الکتب الإسلامیه.
- مبلغی، احمد. ۱۳۸۵. "فقه هجرت." فصلنامه فقه، شماره ۴۸ تاریخ ۱۰۴.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۳۶۳ ش. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. چاپ دوم، تهران: ناشر اسلامیه، .
- محسنی، علی. ۱۳۹۵. "زمینه‌ها و چالش‌های هویتی فراروی مسلمانان در اروپا." فصلنامه

مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی) سال پنجم شماره

محمد، و ثعلبی، احمد بن. ۱۴۲۲ ه. . الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی. لبنان - بیروت: دار إحياء التراث العربی .

محمد، طریحی، فخرالدین بن. بی تا. مجمع البحرین. عراق: مكتبة المرتضوية.

محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۸۹ ه. . میزان الحکمة. قم - ایران، چاپ: ۱۱: موسسه علمی فرهنگی دار الحديث، سازمان چاپ و نشر -.

مشرق نیوز، خبری. ۱۳۹۳. مهاجرت افغان‌ها به غرب و تاثیرات آن. ۸ ۱۴.

<https://www.mashregnews.ir/news>

مصطفوی، حسن. ۱۴۰۲ ق. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. Vol. 11. تهران- ایران: مرکز الكتاب للترجمة و النشر.

مطهری، مرتضی. ۱۳۹۱ ش. مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدر.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری،. ۱۴۱۳ ه ق. ۱۷ کتاب المزار (للشیخ المفید)، ، قم - ایران: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید^{علیه السلام}.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۲۶ ه. . نفحات الولاية. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب^{علیه السلام} -.

مهدی ری شهری، محمد. ۱۳۸۹ ه. . تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث. قم - ایران، چاپ: ۲: موسسه علمی فرهنگی دار الحديث، سازمان چاپ و نشر.

مهدی، محمدنیا. ۱۳۹۵. "چالش‌های مهاجرت مسلمانان در اروپا". پژوهشنامه رسانه بین الملل، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۵.

نادری، امیر. ۱۳۸۳. "مهاجرت جوانان آسیب‌ها و پیامدهای امنیتی آن". فصلنامه دانش انتظامی، سال ششم (۱۳۸۳) شماره سوم. ۴۳-۶۶.

نقوی، نعمت‌الله. ۱۳۷۱. مهاجرت‌های روستا - شهری. تبریز: نشر ستوده.

